

شماره جلسه: ۵۱	درس: تفسیر آیت الله نجفی (مدظله) مقرر: مصطفی اله دادی دستجردی	تاریخ: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ - چهارشنبه موضوع خاص: آیه ۶۰
----------------	--	---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.)

صدقات، فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان [زمین گیر] و کارگزاران [جمع و پخش آن] و آنانکه باید [به خاطر تمایل به اسلام] قلوبشان را به دست آورد، و برای [آزادی] بردگان و [پرداخت بدهی] بدهکاران و [هزینه کردن] در راه خدا [که شامل هر کار خیر و عام المنفعه می باشد] و در راه ماندگان است؛ [این احکام] فریضه ای از سوی خداست، و خدا دانا و حکیم است. (۶۰)

بیان کلی آیه

گویا این آیه به عنوان پاسخ به منافقان عیب جویی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله معترض بودند و می گفتند او به جهت خساستی که دارد ما را از غنائم و زکات بهرمند نکرد. لذا خداوند در این آیه در پاسخ به آنها می فرماید: دریافت زکات و توزیع آن دارای قانونی الهی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز از آن مستثنی نمی باشد و نمی تواند فراتر از آن اقدامی انجام بدهد. لذا از آنجایی که منافقان مذکور از مصادیق دریافت کنندگان زکات نمی باشند، لذا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چیزی از آن به ایشان ندادند.

اعراب آیه

إِنَّمَا حرف مکفوف (کافه و مکفوفه) "الصَّدَقَاتُ" مبتدا، مرفوع "لِلْفُقَرَاءِ" حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر
وَالْمَسْكِينِ (و) حرف عطف / معطوف تابع "وَالْعَامِلِينَ" (و) حرف عطف / معطوف تابع "عَلَيْهَا" حرف جر و اسم
بعد از آن مجرور "وَالْمُؤَلَّفَةِ" (و) حرف عطف / معطوف تابع "قُلُوبُهُمْ" نائب فاعل، مرفوع / (ه) ضمیر متصل در محل
جر، مضاف الیه "وَفِي" (و) حرف عطف / حرف جر "الرِّقَابِ" اسم مجرور یا در محل جر "وَالْغَارِمِينَ" (و) حرف
عطف / معطوف تابع "وَفِي" (و) حرف عطف / حرف جر "سَبِيلِ" اسم مجرور یا در محل جر "اللَّهُ" مضاف الیه،
مجرور "وَابْنِ" (و) حرف عطف / معطوف تابع "السَّبِيلِ" مضاف الیه، مجرور "فَرِيضَةً" مفعول مطلق یا نائب مفعول،
منصوب "مِّنَ" حرف جر "اللَّهُ" اسم مجرور "وَاللَّهُ" (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع "عَلِيمٌ" خبر، مرفوع "حَكِيمٌ"

خبر دوم، مرفوع.

تفسیر

خداوند در این آیه در پاسخ به منافقان، مصادیق مصارف زکات را منحصر در گروه های هشتگانه دانسته و می فرماید: (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ)

مراد از صدقات همان صدقه واجبه است که شامل زکات اموال و ابدان (زکات فطره) می شود. اینکه خداوند برخی از مصادیق مصرف زکات را با حرف "لام" ذکر می کند، نشانگر آن است که ایشان مالک زکات می شوند و می توانند در آن تصرف نمایند. ناگفته نماند که حرف "لام" می تواند برای اختصاص هم باشد. فقیر به کسی گفته می شود که مخارج سالانه خود را بالقوه یا بالفعل نداشته باشد و به عبارت دیگر نتواند مخارج خود را به تدریج کسب کند یا آنکه آنرا به صورت یکجا داشته باشد و قادر بر اداره زندگی خود نباشد و البته شامل کسی که توان بدنی یا فکری برای امرار معاش ندارد نیز می شود. مسکین به کسی گفته می شود که از فقیر بدتر باشد به نحوی که ناداریش او را به ذلت کشانده و از کریم و لئیم درخواست کمک دارد.

مراد از عاملین زکات همان کارگزاران و کسانی هستند که آنرا جمع آوری و حفظ کرده و بین مستحقان توزیع می کنند.

یکی دیگر از مصادیق مصرف زکات " الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ" است یعنی موجب تألیف قلوب گروهی می شود که با دریافت زکات حاضر به پذیرش اسلام و و متمایل به مسلمانان می شوند یا شرشان دفع می گردد. نیز معنای دیگرش شامل کسانی می شود که در مقابل دریافت زکات حاضر به همراهی مسلمانان در مقابله با دشمنان هستند یا آنکه در قبال دریافت زکات، حوائج دینی مردم را سامان می دهند.

خداوند در ادامه بوسیله حرف "فی" مصادیق دیگر از مستحقان زکات را بر می شمارد.

مراد از "فِي الرِّقَابِ" همان آزادی بردگان دربند است که شامل عبید و اِماء مکاتب و غیر آن نیز می شود و ناگفته نماند که در عصر کنونی چنین مصداقی سالبه به إنتفاء موضوع است.

غارمین همان بدهکاران در غیر معصیت اند، یعنی کسانی که بدهکار بوده و قدرت پرداخت بدهی خویش را ندارند و البته شامل بدهکارانی که به جهت معاصی مانند قمار یا سفر حرام و مانند آن مدیون شده اند، نخواهد بود. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که در حکومت اسلام پرداخت بدهی اموات بر عهده حاکم است چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ وَمَنْ تَرَكَ دَيْنًا أَوْ صَيَاعًا فَعَلَيَّ وَإِلَيَّ^۱ یعنی کسی که مالی را به جا بگذارد پس از آن ورثه اوست و هر که بدهی یا عیالی نانخور بر جای گذارد پس پرداخت بدهی اش و

^۱ . مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۴۰۰.

رسیدگی به عیالش بر عهده من است.

در هیچ حکومتی مگر حکومت معصومان علیهم السلام چنین قانونی وجود ندارد، لذا روش حکومت داری آنان مترقی ترین زمامداری ها محسوب می شود که ما نیز آرزوی برپایی حکومت عدل الهی توسط منجی عالم بشریت یعنی مهدی موعود (عج) را داریم.

مراد از "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" از دیدگاه عامه منحصر در جهاد است چرا که محور اصلی در حکومت امویان همان فتوحات بوده که نیازمند عِدّه و عُده می باشد و این مهم از راه زکات تأمین می گردد. لذا عامه برای پر رنگ جلوه دادن فتوحات خلفای خویش ناچارند که آموزه های دینی را به گونه ای معنا کنند که با فتوحات سازگار باشد و از این جهت مراد از "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" در آیه زکات را صرفاً مخصوص جهاد می دانند.

لکن باید گفت مراد از "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" شامل تمام امور عام المنفعة برای اسلام و مسلمین می شود. به عبارت دیگر هر چیزی که موجب حفظ مصلحت دینی اسلام و مسلمین گردد داخل در "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" است و البته جهاد یکی از مصادیق اظهر آن می باشد.

مراد از "ابْنِ السَّبِيلِ" کسی است که از وطن خود منقطع و جدا شده و در آنجا محروم از وسائل زندگی است هر چند که در وطن خویش بی نیاز و غنی باشد.

با پیشرفت های کنونی که انتقال پول به آسانی قابل انجام است، شاید مصداق فوق منتفی باشد و کسی "ابْنِ السَّبِيلِ" محسوب نگردد .

خداوند در ادامه می فرماید: "فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ" یعنی احکام مذکور در باب مصارف زکات یکی از قوانینی است که خداوند جعل و واجب نموده است.

و در پایان نیز می فرماید "وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ" یعنی خداوند دانا به امور و مصالح بندگان است و آنچه تشریع می کند دارای فائده است و در نهایت حکمت می باشد.

ناگفته نماند که روایات در باب زکات بسیار زیادند که خوانندگان می توانند در جوامع حدیثی -مانند جلد نهم کتاب وسائل الشیعة - از آن بهرمند شوند، لذا از ذکر آن در اینجا خودداری کرده و صرفاً به یک نکته اکتفاء می کنیم و آن نکته هم اختصاص زکات به غیر بنی هاشم می باشد مگر آنکه بنی هاشم زکات را از یکدیگر دریافت کنند لذا آنها نمی توانند از غیر بنی هاشم زکات دریافت نمایند هر چند بنی هاشم می توانند به غیر خود نیز زکات بدهند.